

# باختر امروز

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی  
نشریه سازمانهای چپه ملی ایران در خارج از کشور  
( بخش خاور میانه )

فشار حکومت ارتجاع بر زنان انقلابی ایران ابعاد وحشتناکی یافته است . پس از شهادت مبارز ملیحه یازوکی و بدنبال آن شهادت محتمل رفیق مادر شایگان در زیر شکنجه ، اکنون جان فدائی مبارز شیرین معاضد و مجاهد مبارز سیمین صالحی بشدت در معرض خطر است . مطابق آخرین خبر تمام بدن رفیق شیرین معاضد را سوزانده اند ولی او چون کوهی استوار مقاومت و مبارزه میکند .

شهریور ۱۳۵۳

دوره چهارم

شماره ۵۸ سال پنجم

انزلهیه سیاسی - نظامی شماره ۱۹



## پیام به خانواده‌های قهرمان شهدای در خون خفته و رزمندگان اسیر .

مادران و خواهران مبارز :

سلام گرم ما را از میدان خونین نبرد و از اسماق قلبهای نا آرامی که بامید رهائی خلق می تپد بپذیرید . امروز مصادف با سالروز شهادت پنج تن دیگر از مردانیست که مصمصانه پای در سختیهای راه مبارزه گاندرده و با نثار آخرین قطرات خون خود ایسان و اراده خلل ناپذیرشان را براه آزادی و رهائی خلق بشبوت رسانیدند . آنان صادترین فرزندان مبارز خلق ، وفادارترین تربیت یافتگان دامان پاک شما و بیشترین همزمان ما بودند . بهمین جهت برای ما فرصت بسیار مناسبی است که با شما زنان شجاع و مبارز ، گفتگویی هرچند کوتاه داشته باشیم .

مادران و خواهران مبارز :

ما باین اعتقاد سخن خود را با شما آغاز میکنیم که مبارزات شما پیوندهای طبیعی و ناگسستی با جنبش مسلحانه خلق ما دارد . شما بعنوان بخشی از نیروهای خلقی جامعه ما عموماً فشار ظلم و استعمار طبقه حاکم را لمس کرده و سالیان دراز نیست که از آن رنج میبرید . همچنین شما ، بدلیل ارتباط نزدیکی که بطور طبیعی با عناصر پیشتاز جنبش مسلحانه و چگونگی مبارزه و هدایای آنان داشته‌اید ، به کسب آگاهی بیشتر نائل آمده‌اید . اینها همان رشته‌هایی است که شما را با جنبش مسلحانه خلق ما در ارتباط نگاه میدارد و پیوندهای آنرا روز بروز مستحکمتر میسازد . اما ما نیز متقابلاً خود را در ارتباطی نزدیک و پیوندی ناگسستی با شما میدانیم . چرا که شما نیز از مردم زحمتکش میهن ما هستید . و بنابراین بزمان دلیل که خود را مدیون خلق زحمتکش خود میدانیم و معتقدیم که حیات مادی و معنوی ما حاصل کار طاقت فرسای آنهاست ، خود را مدیون زحمت و گوشه‌نشانی میدانیم که شما در تربیت و آموزش ما بکار برده‌اید . ما بخوبی بیاد میآوریم که اولین دروسهای انقلابی خود را در دامان پاک شما آموختیم . شما از همان اوان کودکی بما درس محبت و عشق و فداکاری و گذشت ، راستی و درستی آموختید . شما بما آموختید که چگونه باید کمر بخدمت خلق بسته بگردم رنج‌دیده عشق ورزید و در مقابل ظلم و ظالم ایستادگی نمود و با آن بهارزه پرداخت . شما همواره

بقیه در صفحه ۳

## از جنگ محدود تا دولت محدود

توطئه امپریالیسم و مرتجعین محلی که با جنگ محدود شروع شده بود با پیشنهاد تشکیل دولت محدود خود را افشاء میکند .

ساخت و پاخت‌های قدرت‌های بزرگ و دول عربی شد تا اینکه این خلق سلاخی را که تا ۱۹۴۸ بطور دفاعی بر کف گرفته بود و بعد از دست داده بود ، اینبار بطور تعرضی بدست گرفت . حماسه از سال ۱۹۶۵ و در حد وسیعتری از سال ۱۹۶۷ ساخته شد و خلق فلسطین بحق پیشقراول خلقهای مبارز در خاور میانه شد و مسئله فلسطین محور استوار مبارزات ضد امپریالیستی خلق عرب گشت . فداکاریها و دلوری های فرزندان این خلق حماسه هائی ساختند در ردیف درخشانترین حماسه‌ها ، و اینها علاوه بر اثرات مستقیم خود در بالا بردن موج انقلابی در خلق عرب ، الهام بخش مبارزات دیگری نیز شدند . و اینها همه برای یک مبارزه مسلحانه ضد امپریالیستی طبیعی بود . ولی شرایط خاص زندگی این خلق « آواره » ، دقیقاً نشدن خطوط طبقاتی و درگیری اجباری با مسائل متعدد و پیچیده « بین عربی » و یا بهتر بگوئیم بازیهای دول مرتجع عربی از همان ابتدا برای کسانی که از جریانات شناخت داشتند نمایان بود ولی در خارج معمولاً تحت الشعاع جنبه‌های مثبت و مفید مبارزه قرار میگرفت . ولی اینها همه بتدریج عیسان و عیانت‌تر شدند ، تا امروز که وضع را بصورت نامطلوبی در آورده‌اند .

بقیه در صفحه ۲

## اخبار

★ از اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ جنگ چریکی در کوههای اطراف بروجرد و خرم‌آباد آغاز گشته و دشمن تاکنون چندین گردان نیرو با تجهیزات کامل باین منطقه اعزام داشته است تا بخیال خود قیام مسلحانه در این منطقه را سرکوب سازد . این قیام مسلحانه توسط دکتر هوشنگ اعظمی و محمود خرم آبادی ( برادر رفقای شهید احمد و مجتبی خرم‌آبادی ) و عده‌ای از یاران آنها رهبری میشود . دکتر اعظمی در بروجرد دارای شغل طبابت بود . او توانسته بود ضمن مداوا و معالجه مجانی مردم ، در میان توده زحمتکش محبوبیت کسب کند . وی هم اکنون از حمایت کسانی که او را از نزدیک می‌شناسند و بصداقت او ایمان دارند ، برخوردار است و لذا مامورین رژیم عده زیادی از دهقانان اطراف شهر را که با آنها مشکوک میباشند دستگیر کرده و از آنها در باره روابطشان با جنبش مسلحانه تحقیقات بعمل آورده‌اند . مامورین رژیم حتی روستائینی را که ضمن حرکت از منطقه با خود آذوقه حمل میکنند بجرم کمک رساندن بمبارزین دستگیر میسازند و باین پسانه به اذیت و آزار شدید مردم پرداخته‌اند .

بقیه در صفحه ۴

هنگامی که برد محدود اعراب در جنگ اکتبر ۷۳ سیاری از دوستداران اعراب را آنقدر در شور و بجان فرو برده بود که باعث میشد ناآگاهانه برد را با روزی یکی بگردند ، ما دو سه هفته بعد از جنگ یعنی در به اول نوامبر در شماره ۴۷ باختر امروز پس از شمارش واداین جنگ از جمله تقویت روحیه اعراب ، فرو نشاندن لستخی نفرت انگیز اسرائیل ، بیش از پیش عریان شدن سکاری امپریالیسم و صهیونیسم و نمایان شدن بهره‌های سازشگر در میان صفوف سادات و اسد که لسطینی ، نسبت به تقویت حکومت سادات و اسد که ر آن زمان برای ساده پنداران چهره قهرمان بخود گرفته بدند همدار دادیم و نوشتیم .

« تقویت حکومت های سادات و اسد دست آنها ادر سازش های آینده بازتر خواهد کرد و این کنه‌ایست که لبه تیز آن مستقیماً متوجه نیروهای انقلابی نطقه خواهد شد . . . . . قدرت یافتن سادات ها و سدما دست آنها را در سازش باز خواهد گذاشت . . . . . بروزه فشار عظیمی بر روی نیروهای مترقی عرب بخصوص نیروهای پیگیر و آگاه فلسطین است و خطر رای انقلاب فلسطین بصورتی از همیشه جدی‌تر شده مسئله برای آنها بصورت حیاتی و مماتی در آمده ست . دول عربی میکوشند که توافق انلسطینی ها را با لرح کی‌سینگر جلب کنند و یا لاول آنها را وادار به نکوت کنند . چه اگر خلق فلسطین توافق کند ، بهره سازشگر دول عربی بر ملا نخواهد شد . در این ررد وعنه و وعیده‌ها و بخصوص پیشنهاد تشکیل دولت لسطین از عواملی هستند که میتوانند روی عناصر نزلزل و بینابینی موثر واقع شوند . »

نوشتن مطالب فوق ، درست در هنگامی که سادات‌ها و اسدما بعنوان قهرمانان و سرداران پیروز از بیه باز میکشند برای بسیاری تعجب آور بود . ولی روز فقط ۹ ماه بعد از جنگ اکتبر مسئله برای ساده پنداران نیز علنی و بدیهی شده است . امروز دیگر کاتی مانند وعنه « دولت فلسطین » و غیره که پیش بنی کرده بودیم واقعیت یافته‌اند چهره مرتجع سادات‌ها اسدما نمایان شده‌اند و نزلزل در صفوف فلسطینی با بصورت جدالهای زنده خود را نمایان کرده است . ر چنین اوضاعی که دیگر همه باین حقایق واقف شده‌اند بایدید برای جلو گیری از ادامه سیر منفلانده در جهتی به به خلق عرب تحمیل شده است چه راه‌هایی میتوان ندیشید ، و یا عبارات دیگر چه آل ناتیوهائی وجود دارند ؟

اشغال فلسطین توسط مهاجرین صهیونیست ، مسئله فلسطین را بصورت یکی از محررهای اصلی حرکت ناطق عرب در آورد مقاومت خلق فلسطین پس از سالها مبارزه در هم شکنست و این خلق قریب ربع قرن بازیچه

این حق مسلم تو و ما است که خشونت پمپراسیم را با خشونت انقلابی پاسخ دهیم

### از جنگ محدود . . .

« جنگ محدود » و تز کی سینگر این چند دستگی را در رهبری سازمانهای فلسطینی ( و تا اندازه‌ای در موضع اقتصاد مختلف خنقی ) آشکارتر ساخت . ولی ساده پندارانه خواهد بود اگر صرف اتخاذ موضع سازمانها و یا رهبرهای مختلف در قبال این تز را تنها معیار درستی یا نادرستی مواضع آنها بدانیم .

مسئله تشکیل دولت فلسطین و توطئه‌ای که در پشت آن پنهان است ممکن است در ابتدا برای پاره‌ای از افراد روشن نباشد . غالباً مسئله باین صورت جلوه میکند و یا حلوه داده میشود که آزادی تمام فلسطین « واقع بینانه » نیست ، بنابراین لااقل آن قسمتی را که « میشود » باید آزاد کرد . شوروی بطور مشخص از چنین موضعی حرکت میکند و این دید در بین پاره‌ای از نیروهای ملی عرب مستقل از شوروی نیز طرفدارانی دارد . گو اینکه نقطه حرکت ایندو با هم متفاوت است . شوروی که خود از رسمیت دهندگان دولت اسرائیل است (استالین - ۱۹۴۸ ) و روابط دیپلماتیک خود را با آن تا همین چند سال گذشته حفظ کرده بود ، و اکنون نیز کاملاً آگاهانه رومانی را در ادامه روابط با اسرائیل تغیب میکند ، اظهار میکند که رهائی تمام فلسطین منوط به توسعه مبارزه طبقاتی در اسرائیل است ، بالاخره طبقه کارگر اسرائیل پیروز خواهد شد و . . . . . بقیه بحث کاملاً واضح است . لب کلام اینست که فعلاً باید از خیر قضیه گذشت ، در آینده همانطور که انقلاب سوسیالیستی در آمریکا بوقوع خواهد پیوست در اسرائیل هم بوجود خواهد آمد و . . . . . آنها نه تنها چنین موضعی ( البته نه علناً تا حد واضح ) دارند بلکه با کسانی که علیه این موضع مبارزه میکنند بشدت مخالفت مینمایند چه اگر مبارزه با این موضع وسیعتر از حد فعلی شود ممکن است باعث درگیریهای جدی در منطقه شود و این البته مخالف سیاست « همزیستی » است .

اما دیگران یعنی پاره‌ای از نیرو های ملی که چنین موضعی دارند تحت تاثیر چند فاکتور هستند :

۱ - تاسف بشر دوستانه بجا از بی سر و سامانی وضع فلسطینی‌ها و مشاهده وضع رقت انگیز زندگی آنها . البته این مسائل هر انسانی را ناراحت میکند ، ولی این ناراحتی گاه بصورت عجله در پذیرش راه حل های غیر مطلوب جلوه میکند . این البته رقت انگیز است که طفل فلسطینی را محتاج یک جرعه شیر یا نیم قرص نان دیند . این البته ناراحت کننده است که آنها را بدون پوشاک مناسب در سرما و گرمای طاقت فرسا دید ، و از اینها دشوارتر اینست که به آنها گفت که این قطعه زمینی را که بشما میبهند نپذیرید . آسان تر اینست که گفته شود بپذیرید . لاری این آسان است ولی درست نیست .

۲ - مشاهده نواقص بزرگ سازمانهای فلسطینی و ترس از اینکه با طولانی شدن جریان ممکن است وعده همین قطعه زمین هم پس گرفته شود .

۳ - نگاه کردن به فلسطین بصورت یک مسئله ارضی و حد اکثر ملی ، و غفلت از کارکرد آن بصورت انگیزه یک جنبش ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری و محوری برای بسیج توده‌هایی که هنوز شناخت کامل از امپریالیسم ندارند و رهنمائی آنها بسوی کسب چنین آگاهی هائی .

۴ - داشتن دید تاکتیکی در تحلیل‌ها و خشنودی از « دستاوردها » تاکتیکی و ندیدن تناقض آنها با هدفهای لستراتژیک .

اینها پاره‌ای از عللی است که عده‌ای از نیروهای ملی را به پذیرش (گاه اکراه آمیز) طرح دولت فلسطین بر انگیزخته است . معیناً این مسائل که در مورد پاره‌ای از نیروهای عرب غیرفلسطینی انگیزه‌های اساسی هستند ، در مورد پاره‌ای از فلسطینی‌ها توأم با عامل دیگری میشود . که بمرات زنده‌تر است و آن عامل خودخواهی و جاه طلبی است . دهان پاره‌ای از افراد هم اکنون چنان به آب افتاده که بستم‌های وزارت و سفارت را بین خود و اعوان و انصار تقسیم کرده‌اند . اینها معمولاً کسانی هستند که از ابتدا نیز از روی جاه طلبی به حرکت مقاومت پیوستند و یا انگیزه انقلابی آنها بقدری ضعیف بوده است که با کوچکترین تطمیع ساکت شده‌اند . سرخورده‌ها ، ساده‌جوها ، کسانی که درک درستی از انقلاب دراز مدت ندارند ، کسانی که بسهولت مرعوب

میشوند ، آنها که بنیروی توده‌ها اعتقاد ندارند ، آنها که چشم به محبت دول دوخته‌اند . همه و همه در این مقوله می‌کنجند و اینها متاسفانه تعدادشان کم نیست . اما برعکس ، آنها که با این طرح مخالفت میکنند نیز چند دسته‌اند :

- ۱ - آنها که دید علمی و شناخت طبقاتی درست دارند .
- ۲ - آنها که از موضع ملی ولی بصورت انقلابی حرکت میکنند .
- ۳ - آنها که بخاطر وابستگی‌هایشان چنین موضعی دارند .
- ۴ - آنها که از نمد دولت طرفی بر نمی‌بندند .
- ۵ - آنها که از موضع ماجراجویی حرکت میکنند و احساس مسئولیت نمیکند .
- ۶ - آنها که از روی اپورتونیسم مطلق و بخاطر « گران کردن » خود و فروش به قیمت بیشتر حرکت میکنند .

البته گروه‌ها و عناصری هم هستند که با موضع بینابینی میگیرند و یا اظهار موضع نمیکند . در این میان از عناصر فرصت طلب تا عناصر گویج‌بالاخره عناصر انقلابی صدیق که بعلت وضع خاص خود اظهار نظر غنی خود را غیر سازنده تشخیص میدهند وجود دارند .

بدینترتیب بسهولت می‌بینیم که قبول یا رد تشکیل دولت فلسطین را تنها معیار صدیق بودن یا نبودن نباید قرار دهیم و هر تصویری بر این پایه تا چه حد پندارگرایانه و بدوی است . معیناً همانطور که نوشتیم اکثریت مطلق عناصری که دید علمی و شناخت طبقاتی دارند و آنها نیز که از موضع ملی انقلابی حرکت میکنند همه در گروه دوم یعنی مخالفین تشکیل دولت فلسطین قرار دارند .

در فوق اشاراتی به دلایل رد تشکیل این نوع دولت فلسطینی ، یعنی دولتی محدود به ساحل غربی رود اردن و احتمالاً غزه کردیم . اکنون لازم است به پاره‌ای از آنها توجه بیشتری بکنیم .

۱ - تصور تشکیل دولت محدود فلسطین بعنوان پایگاه برای آزادی بقیه سرزمین فلسطین ، پندار خام و سفیهانه‌ای بیش نیست . هیچیک از دول ذینفع چنین دولتی را تحمل نخواهد کرد . این دولت بقرض تشکیل چنان شیر بی یال و دم و اشکمی خواهد بود که گریه بجاش خواهد گریست . کسانی که جز این میگویند و شعار میدهند که یک وجب از خاک فلسطین هم یک وجب است یا مطلقاً پندارباقان خامی هستند و یا عوامفریبانی دورو .

۲ - تصور تشکیل دولت محدود فلسطین و سپس دامن زدن به جنگ طبقاتی در داخل اسرائیل نیز از همان بینش هابر میخیزد . مطابق این بینش در ویتنام هم انقلابیون بیهودمی جنگند ، باید صبر کنند تا رژیم تپو سرمایه‌داری را تکامل بخشد و مبارزات طبقاتی تشدید شود و . . . . . این تصور مبتذل‌تر از آنست که احتیاج به افشاءگری بیشتر داشته باشد .

۳ - مسئله فلسطین تنها یک مسئله ملی و آنهم در چهارچوب خواسته‌های ملت فلسطین نیست . این امری نیست که با دادن قطعه زمینی به فلسطینی‌ها حل شود دادن قطعه زمین به کدام فلسطینی‌ها ، نمایندگان کدام طبقات و تحت چه شرایطی ؟ مسئله اصلی اینجاست آیا همینکه گردانندگان حکومت فلسطینی باشند قضیه حل میشود ؟ آیا سرمایه‌دار فلسطینی کمتر از سرمایه‌دار صهیونیست بداست ؟ آیا این ناشی از نداشتن یک دیدطبقاتی از جامعه نیست ؟ اگر جز این است پس ما برای چه علیه شاه می‌جنگیم ؟ او که ایرانی الاصل است . طبقه حاکمه هم که ایرانی هستند . آیا صرف اینکه سربازان امریکائی ایران را تحت اشغال مستقیم ندارند نشانه کمتر استثمار شدن کارگر ایرانی است ؟ و آیا چون سربازان امریکائی از ویتنام بیرون رفتند شدت مبارزه باید در آنجا تخفیف یابد ؟ آیا این دلسوزی برای خلق فلسطین است که صرفاً از اردوگاه‌های آوارگان در کشورهای عربی خارج شوند و به اردوی ذخیره کار در « فلسطین » بپیوندند ؟ نه ! جواب همه اینها منفی است . این راه صحیح دلسوزی برای خلق فلسطین نیست . این راه همدردی با خلق فلسطین نیست . کسب کردن انگیزه‌های که تا کنون از محورهای مهم مبارزه ضد امپریالیستی خلق عرب بوده ، بدون سامان دادن به وضع

خلق فلسطین ، در نهایت باعث رکود نسبی و حسی کیچی و سردی گمی در مبارزات ضد امپریالیستی آنها میشود و این خلصت به خلق عرب نخواهد بود . ممکن است این سؤال مطرح شود . که چرا خلق فلسطین باید زجر بکشند تا این انگیزه کاهش نیابد ؟ در جواب باید گفت که این تنها خلق فلسطین نیست که مبارزه کرده است . توده‌های عرب (و غیر عرب) در همه جا از این مبارزه پشتیبانی کرده‌اند . این یک دین انقلابی است که بگردن هم دارند ، و از این مهمتر همانطور که در بالا گفتیم این راه حل که خود منجر به آزادی خلق فلسطین نمیشود . پس این چه راه حل است که نه خلق فلسطین را آزاد میکند و نه خلق عرب را . این راه حل فقط سوبج رضایت خاطر قدرت‌های بزرگ ، اسرائیل و دول مرتجع عرب میشود . غائله خاتمه می‌یابد . سر و صداهای میخوابد . یک دولت بی بو و خاصیت فلسطینی تشکیل میشود . اسرائیل اینم میشود و دول مرتجع عربی فرصت بیشتری برای سرکوبی خلق های خود پیدا میکند . این راه حل نیست . خیانت است !

سازمان آزادیبخش فلسطین که ترکیب فوق‌العاده نامحکونی دارد در کنفرانس سران دول عربی در الجزیره بعنوان تنها نماینده خلق فلسطین شناخته شد . این امر تا آنجا که علیه ادعاهای ملک حسین قصاب و مدعیان « سرشناس » ساحل غربی رود اردن بود عمل بسیار ارزنده‌ای بود ولی سادات‌ها و اسد‌ها از روی حس نیت و صفای دل این کار را نکردند . کی سینگر نباید نیز بیخود بیاد حقوق خلق آواره (البته نه هنوز فلسطین ! ) نیفتاده است . سازمان آزادیبخش سالهاست که همبر وضع فعلی را دارد و خلق فلسطین هم بیش از ربع قرن است که آواره است . پس چرا صدای سادات‌ها و کی سینگر‌ها قبلاً در نمی‌آمد ؟ چه شده است که اینستا ناگهان بیاد افتاده‌اند که این تنها نماینده است و آن هم خلق آواره ؟ دلیل آن خیالی روشن است و آنهم کنفرانس سازش در ژنو است . آری ، بنظر آنها تنها سازمان خلق آواره به کنفرانس زانو می‌رود ، در آنجا با گرفتن قطعه زمینی زیر سند خود فروشی و وطن فروشی و خلق فروشی سادات‌ها را امضاء میکند ، و آنوقت چه کسی است که جرات کند به سادات‌ها نسبت خیانت دهد ؟ گردن او افراشته خواهد بود که قضیه را بشو دلفوازه تنها سازمان خلق آواره - یعنی بنحو دلخواه فلسطین - حل کرده است هر کس که مخالفت کند چپرو و کاسه و آتش داغتر است . این دیگران ، خرابکار ، چپرو ، آشوب طلب ، آنارشویست و . . . هستند . آری ، الفاظ آشنا و بسیار بسیار مصطلاح ، الفاظی که از چپ و راست همیشه نثار انقلابیون راستین و سازش ناپذیر شده است و ما شواهد انرا در همین خودمان هم می‌بینیم .

بدین ترتیب تردیدی نمی‌ماند که کنفرانس ژنو و تشکیل دولت محدود فلسطین ادامه همان سیاست خائنه جنگ محدود و سازش از موضع قدرت دروغین است . و اگر تبلیغات امپریالیستی در مورد نبوغ (!) کی سینگر صهیونیست را لا اقل یکبار کمی جدی بگیریم ، باید گفت که آن یکبار در همینجاست . تشخیص ضرورت سازش از موضع قدرت (ظاهری) برای سران مرتجع عرب و از همینجاست جنگ محدود و سپس دولت محدود .

ما برای نشان دادن تزلزل‌های پاره‌ای از رهبران خلق عرب و منجمه خلق فلسطین ، تنها جنبه‌های منفی قضیه را در فوق آوردیم ، ولی اگر بهمین بسنده کنیم تصویر یکجانبه‌ای بدست خواهیم داد . ما باید تأکید کنیم که نه همه رهبران فلسطینی و بطریق اولی نه همه خلق فلسطین چنین موضعی دارند . ابتدا چنین نیست . ما همه جا گفته‌ایم « پاره‌ای » ، و حال باید تأکید کنیم که این « پاره » آنقدر ها هم عظیم و غیر قابل مقاومت نیست . استثمارگران و سوداگران و مروتجین ممکن است چنین تصویری داشته باشند و بهمین دلیل هم به چنین تشبیهاتی متوسل میشوند . ولی آیا میدانید چند بار در مورد همین مسئله فلسطین کور خوانده‌اند ؟ آنها درکی از خواست واقعی و ، از الهامات خلق ندارند . دنیای آنها در سطح رهبران و مانورها و کودتاها محدود میشود . « نبوغ کی سینگر » فقط در همین محدوده بر « حدق » سلفش راجز میچرید و نه بیشتر . خلق را میتوان موقتاً ساکت کرد و موقتاً فریفت ولی آیا تمینان را با امپریالیسم و سرمایه‌داری نیز میتوان از بین برد ؟



از جنگ محدود . . .

سادات ما ممکن است در صورت موفقیت در اجرای توطئه و بشرط شرکت رهبران فلسطینی ، آن زحمتکش مصری را برای مدتی بفریبند تا به حکومت خود ادامه دهند . ولی اولاً خلق فلسطین صدایش را خود و نیز از طریق رهبران غیر سازشکار بگوش همان زحمتکش مصری خواهد رساند . و ثانیاً اگر بر فرض محال « انگیزه فلسطین » هم کند شود ، آن زحمتکش راه دیگری برای بروز تضاد طبقاتی خود با سادات ما خواهد یافت فلسطین تنها یکی از انگیزه‌ها و محمل‌ها برای بروز تضادهای طبقاتی و ملی است علاوه بر اینکه بر خلاف تصور توطئه گران سر این موضوع را هم زیر آب نمیتوان کرد ، صرف تلاش و توطئه برای انجام آن باعث بروز تضادها از جانب توده‌های غیر فلسطینی خلق عرب از مجرای جدید تری هم میشود . بهین دلیل هر اقدامی که منجر به نشان داده شدن ، آشکار شدن و تشدید تضادهای خلق با سازشکاران و خودفروشان و مرتجعین شود در رابطه ارگانیک با تقویت مبارزات خلق فلسطین خواهد بود . عدم سازش از طرف هر بخش از خلق با رهبری فلسطینی بروز تضادهای طبقاتی و ملی دیگر را تسریع میکند و بر عکس تشدید تضادها و مبارزات طبقاتی توده‌های دیگر خلق عرب به مبارزات خلق فلسطین یاری میرساند ، و این قانونمندی تلقیق مبارزات طبقاتی و مبارزات ملی است .

تشدید مبارزات طبقاتی در داخل کشورهای عربی ( و بخصوص در مصر از نظر سطح رشد نیروهای تولیدی ) که با قیام‌ها و اعتراضات دهقانی و کارگری شروع میشود و با روشننگری‌ها ، تبلیغ و ترویج وسیع بردانه و اخلاق در میان صفوف کارگران و دهقانان و روشنفکران توأم میشود با مبارزات خلق فلسطین یک تهاجم را میسازد . تشدید مبارزات در داخل کشورهای سازشکار انصراف از اهمیت مبارزات خلق فلسطین نیست بلکه در رابطه و پیوند با آن است . این مبارزات حتی بر حسب ضرورت و بر مبنای شرایط خاص این کشورها از سطح مبارزات دموکراتیک تا سطح مبارزات طبقاتی ، بصورت مسالمت آمیز و غیرآمیخته ، از تظاهرات خیابانی و پارلانی تا جنگ چریکی شهری و روستائی میتواند جریان داشته باشد . تشخیص سطح و نوع نحوه انجام آن بعهده مبارزین هر یک از این کشورها بر حسب شرایط خاص آنهاست . این مبارزین هر کشور هستند که باید تشخیص دهند که اکنون چه نوع مبارزه و در چه سطح ، پارلانی و مسالمت آمیز ، یا مسالمانه و چریکی ، بسنج کرده‌تر ، آگاهی دهنده تر و کوبنده تر است . باید دید کدامیک از اینها هم امکان خنثی کردن توطئه‌های تملی مرتجعین را دارد و هم خلق را در رهبری یک مسیر درست مبارزه ملی و طبقاتی کمک میکند . اینها را باید پیشقراولان خلق عرب برای هر منطقه معین کنند و معین خواهند کرد . قدر مسلم آنست که یک انقلابی خود را در محدوده هیچ شیوه واحدی محصور نمیکند و منتظر حرکت ارتجاع نیروی تحمیل شیوه خاص از مبارزه به نیروهای انقلابی نیز نمی‌ماند . یک انقلابی راه خود را طبق برآوردها و بررسی‌ها از شرایط عینی و در نظر گرفتن شرایط ذهنی پیدا میکند و در این راه مطلقاً از پیش علمی کمک میگیرد و هیچ سد سنتی و جزمی و تخمیل در راه خود و خلق خود بوجود نمی‌آورد .

× \* ×

در اینجا لازم است به احتمال وقوع حوادث دیگری نیز اشاره کنیم . در این اواخر و بخصوص در دو سه هفته اخیر ، صحبت از امکان وقوع « جنگ پنجم » بیش از پیش بگوش می‌رسد و نیروهای سوریه و اسرائیل متناوباً بحال آماده باش درآمده‌اند . این تهدیدها در عمل نیز ممکن است منجر به زد و خوردها و نهایتاً جنگ دیگری شود ، گو اینکه احتمال وقوع جنگ شدید فعلاً چندان زیاد نیست . بچند عامل از میان عوامل مختلف برای ایجاد چنین وضعی میتوان اشاره کرد . تغییر رئیس جمهور آمریکا موقعیت را تا اندازه‌ای بنفع اسرائیل تغییر داده است فرود رئیس جمهور جدید، نوکر گوش بفرمان انحصاراتی است که کاملاً و در موارد نتائج مشترکی با اسرائیل دارند . جانبداری‌های افراطی او در گذشته بنفع اسرائیل ، و حملات کینه‌توزانه او علیه اعراب باعث خرسندی محافل اسرائیلی است . البته نیکسون تا آنجا که در قدرت داشت از کمک به اسرائیل کوتاهی نرزد چون امریالیسم

پیام به خانواده‌های . . .

الگوی حسین (ع) این انقلابی بزرگ تاریخ را ، در مقابل چشممان ما قرار دادید . بارها و بارها احساسه مساومت مبارزه خونین و حق طلبانه او را برای ما بازگو کردید و ما را یادآور راه او تشویق نمودید بدین ترتیب ، شما بما می‌آموزید که مبارزه خونین و آشتی ناپذیر با دشمنان خاکی ، باستمرگران و مفسدین و استثمارگرانیکه میلیونها مردم زحمتکش ما را وحشیانه بزیور بار استثمار و ستم کشانده‌اند ، وظیفه هر مسلمان راستین و هر انقلابی آگاه است .

ما آموزشهای شما را که از ایمان عمیق شما نسبت بحق و حقیقت سر چشمه می‌گرفت ، بارها بطور آگاهانه تر و وسیعتری در جریان زندگی اجتماعیما و آشنائی با دردها ورنجهای مردم زحمتکشمان تجربه کردیم و اینک نیز برای ایفای همین وظائف بپا خاسته‌ایم . بدین جهت سهم شما در اولین آموزشهای اجتماعی و عقیدتی ما فراموش ناشدنی است . ما آنها را کرامی میدانیم و با آنها افتخار میکنیم .

اما برای ما بسی افتخار آمیز تر است وقتیکه در شرایط خفقان و سرکوب خونین پلیسی ، با چشمائی پر از شوق اقدامات ثمر بخش و احساسات پر شور شما را در پشتیبانی از مبارزات حق طلبانه فرزندان انقلابیتان مشاهده میکنیم .

شما از همان لحظه‌ایکه سازمان ما مورد تهاجم دژخیمان ساواک و شهربانی قرار گرفت ، پشتیبانی فعال خود را از مبارزین و هدفهای آزاد یخواهانه و ضد ظلمی آنان ابراز داشتید . بخصوص زمانیکه برادران ما در زیر رگبار مسلسلها و شلاق شکنجه‌گران ساواک قرار گرفتند ، اقدامات حمایت آمیز شما با شدت و حرارتی

نیکسون به انحصارات نفتی او را امیداشت که در ظاهر دم از سیاست حمایت از طرفین بزند ، گو اینکه همانطور که دیدیم در جنگ اکتبر سیل اسلحه و تجهیزات امریکائی بود که بدستور نیکسون به اسرائیل سرازیر شد و به نیروهای امریکائی در سراسر جهان آماده باش داده شد . این مسئله یعنی تضادهای درجه دوم بین امریالیستی و بین انحصارات ، در عین حفظ وحدت در مقابله با جنبش‌های انقلابی ، از مسائلی است که گاه میتواند تغییرات زیادی در محاسبات سیاسی مشخص بوجود آورد .

سخت‌تر شدن موضع اسرائیل دو نوع عکس‌العمل را بوجود آورده است . عده‌ای مانند انورسادات که خود را کاملاً فروخته‌اند حتی حاضر به عقب‌نشینی بیشتر شده‌اند و این امر بخصوص در اتخاذ موضع‌های اخیر وی در رابطه با سازمان آزادیبخش جنوب عربی است . وی که در کنفرانس الجزائر مسئله رسمیت سازمان آزادی بخش را بعنوان نمایندگی خلق فلسطین - با تمام ابهامات مصوربه - پذیرفته بود ، در اعلامیه مشترکی که با ملک حسین خائن داد از آن مصوبه عدول کرد . سپس در اعلامیه دیگری با شیخ زاید رئیس امارات متحده بنحوی مبهم گوئی کرد که میشد آنها بنفع فلسطینی‌ها تلقی نمودولی بالاخره اخیراً رسماً آنها انکار کرد . این سیاست کلک و حقه ، دقیقاً وابسته به میزان فشاری است که به او وارد میشود و نشان دهنده جدی است که او حاضر است حتی از اصول و مصوباتی که خود پذیرفته بوده عدول کند و تا آخر عقب نشینی نماید . از طرف دیگر فاش شدن بیشتر نقش امریکا عده بیشتری از کسانی را که آگاهی عمیق نداشتند بسمت مبارزه با سیاست امریکا کشانده است .

مبارزه مخالفین تشکیل دولت فلسطین و موافقین آن اوج گرفته است ولی این امر فقط در حد بحث و اقتناع نبوده و منجر به زد و خوردهای زنده و دستگیری‌هایی شده است . زندانی کردن کسانی که نظر نا موافق با سازمانی دارند - صرفظراً از آنکه درست بگویند یا نه - نموداری است از نحوه عملکرد غیر دموکراتیک این سازمانها و نشانه‌ایست از ماهیت دولتی که چنین سازمانهایی تشکیل خواهند داد .

بهر حال این عوامل در جمع محیط را حتی بیش از پیش مغشوش کرده است بطوریکه اضافه شدن یا کم شدن یک یا چند عامل میتواند گل تعادل را باین سو یا آنسو بکشانند و وضعی بوجد آورد که حتی در کوتاه مدت نیز مخالف برنامه اصلی طراحان نقشه بوده باشد .

غیر قابل انتظار اوج گرفت . شما با ایجاد همبستگی در میان خانواده‌های شهدا و رزمندگان اسیر توانستید دست با اقدامات قابل توجهی بزنید . اجتماعات مکرر شما در پشت زندانها و شکنجه گاههای شهربانی و ساواک ، تظاهرات پر شور شما در قم ، در بازار تهران ، در مقابل دادگاههای ضد خلقی شاه افشاگریهای مستمر شما در محافل و در شهرهای مختلف ، نقش موثری در شناساندن هدفی حق طلبانه مبارزه ما و افشای ماهیت جنایت کارانه رژیم ایران داشته است . هنگامیکه رژیم شاه خائن قصد داشت تعداد دیگری از رفاقی رزمنده ما را بپای چوبه اعدام روانه سازد ، شما توانستید با توضیحات و فعالیتهای خستگی ناپذیر خویش ، افسار مخفی از مردم تهران - تبریز - آبادان - شیراز - اصفهان - مشهد - و قم را علیه کشتار جوانان وطن بسنج نمائید و مخالفت آنانرا با اقدامات وحشیانه شاه آشکار سازید .

اقدامات شما مادران و خواهران قهرمان همچنین معنای مهم دیگری نیز برای ما ، در بر دارد . این معنای مهم چیست ؟

در واقع پشتیبانی فعال شما از مبارزین خلق و هدفهای انقلاب مسلحانه ، میتواند بعنوان طلیعه پرشکوهی از آینده مبارزه توده‌ای ، بعنوان نمونه مناسبی از استقبال توده‌ها از مبارزه پیشماتزان انقلابیشان و آمادگی آنها برای درک نظرات و هدفهای مبارزه ، سرورده شود .

برای درک بهتر این نکته کافیست توجه کنیم که در تمام طول تاریخ مبارزات مردم ما این اولین باری است که در شرایط خفقان و دیکتاتوری پلیسی مبارزه مسلحانه - انقلابی یک سازمان مسلح توانسته باشد چنین پشتیبانی وسیع و فعالی را ، تقریباً بلافاصله بعد از آغاز فعالیت عملی خود ، در میان خانواده‌ها ، در میان زنان و مردان سالخورده و نوجوانان برانگیزد .

اکنون بپهه این جهات است که ما بحمايت فعال شما ، با اقدامات قهرمانانه شما افتخار میکنیم و باز بپهه این جهات است که نه تنها سازمانهای انقلابی و رزمندگان دلیری که شجاعانه در زیر شکنجه‌های گوناگون رژیم شاه مقاومت میکنند ، بلکه بسیاری از نیروهای مترقی کشور ، مشتاقانه چشم با اقدامات شما دوخته‌اند و از صمیم قلب آنها تحسین مینمایند .

اکنون با ذکر چنین مقدماتی از اثرات اقدامات شجاعانه شما میتوان پرسید :

اصلي ترین وظائفي که در مقابل شما مادران و خواهران مبارز، در مقابل بازماندگان شهدا و خانواده‌های زندانیان و کلا وابستگان به جنبش قرارداد ، کدامست؟ بنظر ما این وظائف میتواند در موارد زیر خلاصه شود :

- ۱ - حمایت و پشتیبانی از مبارزه‌ای که فرزندان انقلابی شما برای رهائی خلق ستمدیده آغاز کرده‌اند . این حمایت تنها از طریق تبلیغ هدفهای سیاسی و توضیح آن در میان آشنایان ، افراد فامیل هلاقمندان به مبارزه و جلب پشتیبانی آنها نسبت به جنبش مسلحانه ، میتواند صورت گیرد . ضرورت این امر از آنجا ناشی میشود که شما در تربیت و سازندگی فرزندان این چنین پاکبخته نقش موثری داشته‌اید . شما بیش از همه فرزندان انقلابی خود را میشناسید . چرا که در دامان پاک شما پرورده شده‌اند و خودتان بخوبی میدانید که تبلیغات هرزگان دروغگوی رژیم ضحاکي ، تا چه حد پوشالی و وقیحانه است . بنابراین وظیفه طبیعی شما اینستکه تا آنجا که در توان دارید از راه فرزند اتان که همان راه بهروزی خلق ستمدیده ماست دفاع کنید و رژیم را همه جا رسوا سازید . منتشهای انقلابی فرزندان خویش و سایر رزمندگان را با زگو کنید و بگوئید که بچه دلیل آنها بپا خاسته و بچه دلیل رژیم آنها را بشهادت رسانید و یا به بند کشیده است و با آنها افتخار کنید وسعی نمائید که آنها را الگوی تمام آشنایان قرار دهید .

پیدااست که برای تحقق این وظیفه سیاسی و تبلیغی خود ، لازم است که بانحای مختلف و طرق گوناگون بکوشید که با هدفهای انقلاب آشنائی پیدا کنید و با شناختن بیشتر دردهای مردم و همچنین آشنا شدن بچگونگی ظلم و ستم طبقه حاکمه و بررسی تاریخ مبارزات خلق خود و سایر خلفهای انقلابی دانش سیاسی خود را بالا برید .

# باختر امروز

## بقیه اخبار

این گروه مسلح یکبار در محاصره دشمن قرار گرفت ولی توانستند حلقه محاصره را شکسته و با موفقیت از گیر دشمن خارج شوند

در حال حاضر در شهرهای بروجرد و خرم‌آباد عبور و مرور مردم از ساعت ده شب قدغن است و افراد و کلیه وسائل نقلیه مورد تفتیش قرار میگیرند

چون عده‌ای از اقوام اعظمی در این قیام با وی همراهند، لذا مامورین رژیم تمام اعضای خانواده اعظمی را که در شهر باقی مانده بودند دستگیر کرده‌اند

★ مجاهد مبارز لفظاً الله میموی، چندی قبل از زندان



آزاد شده بود در تاریخ ۲۷ مرداد در اثر انفجار ساده منفجره مجروح و سپس دستگیر شده است. دکتر سیمین صالحی یکی دیگر از مجاهدین مبارز، پس از انفجار موفق میشود بکمک اسلحه خود صف محاصره را شکسته و با مصادره یک اتوموبیل از محل دور شود. وی پس از دو زد و خورد با پلیس مزدور، دستگیر میشود. مجاهد میموی و سیمین صالحی (که ۷ ماهه حامله است تحت وحشیانه ترین شکنجهها قرار گرفته اند) ضروری است اذیت‌های فوری در جهت تشدید اعتراض بین‌المللی نسبت به شکنجه وارده به این رفقا و نیز چریکهای فدائی مبارز شیرین معاضد و رفیق مادر شایگان وهمه انقلابیون بعمل آید.

حدود ۶۰ نفر از جوانان خردسال بروجرد که سن آنها کمتر از شانزده سال میباشد و در میان آنها برادر خردسال علیرضا شکوهی (زندانی حبس ابد) و برادر خردسال رفیق شهید ناصر کریمی نیز هستند، گروهی عنیه رژیم تشکیل داده و قریب هفتاد هزار تومان از اموال ثروتمندان رامصادره کردند. آنها همچنین توانسته بودند یک دستگاه ماشین تایپ از ادارات دولتی تصاحب نمایند. افراد این گروه چندی پیش توسط پلیس دشمن دستگیر شدند. ضمن بازجویی که از آنها بعمل آمده، اظهار داشته‌اند که ما میخواستیم انتقام خون دوستان شهید و خلق خود را از رژیم بگیریم. این عده در زندان رژیم بسر میبرند. رژیم کوشش بعمل آورده است که این خبر بگوش مردم سایر مناطق نرسد.

★ پس از کشته شدن چریک فدائی حسن نوروزی، مردم دلبر الیگودرز به برخی از ادارات دولتی حمله‌ور شده و آنها را آتش زدند.

مبارزات وسیع مردم لرستان، فعالیت های گروه جاوید آرومان خلق، ادامه راه مبارزه مسلحانه آنها توسط رفقای دیگوشان از جمله رفیق خسرو ترماگل (عموزاده رفیق هوشنگ ترگل) و رفیق سلاحی، قهرمانی های برادران خرم آبادی، همه موجب تشدید بروز تضادهائی شده است که ستمهای وارده و اشکال گوناگون بر مردم دلبر لرستان بوجود آورده است. اکنون سطح آگاهی و مبارزه مردم در این منطقه بسیار بالاتر از گذشته است تا حدی که رژیم مجبور شده است قوای امدادی عظیمی به منطقه بفرستد. ولی زمانی که خلق بپای میخیزد، دشمن عاقبتی جز شکست ندارد.

★ مامورین رژیم حتی حاضر نشدند جنازه مبارز شهید پرویز حکمت‌جو را که در زیر شکنجه کشته شده است به خانواده‌اش نشان دهند. آنها تنها اجازه دادند که مادر وی جنازه پیچیده در کفن را ببیند.

## پیام به خانواده‌های

۲ - ایجاد ارتباط با بازماندگان شهدا و خانواده زندانیان و افراد مخفی، شرکت در سخنرانی‌های روزمره یکدیگر، بر طرف نمودن مشکلات و نیازهای ضروری خانواده‌ها بخصوص بر طرف نمودن مشکلات مالی آنها، ارتباط با خانواده‌هایی که آتاهای کثیری دارند.

در این زمینه باید با آنها آگاهی داد و درستی راه فرزندانشان را برایشان مشخص نمود تا بحقانیت مبارزه و پیروزی نهائی معتقد و امیدوار شوند.

۳ - یاد بود شهدا، یاد بود حوادث و اتفاقاتیکه به نحوی در ارتباط با سازمانهای انقلابی قرار دارند. نیاز رفتن سهمی در زنده نگه داشتن نام انقلابیون مبارزات ما که رژیم جنایتکار شاه در پوشاندن و مخفی کردن آن کوشش مذبحخانه‌ای میکند.

شما مادران و خواهران مبارز در این وظیفه مهم که نگذاریم یاد شهدا و دیگر هم‌زمان مبارز و اسیر در سیاهیالهای دشمن بدست فراموشی سپرده شود، سهم مهمی دارید. بنابراین با اتخاذ شیوه‌های گوناگون از قبیل تشکیل جلسات یادبود و استفاده از آداب و سنن معمول، خاطره انقلابیون و قهرمانیهای آنها را هر چه بیشتر زنده نگه دارید.

۴ - با اقدامات جمعی و حساب شده طبیعی ترین حقوق انسانی خود را بطور پیگیر و مستمر خواستار شوید دشمن اکنون بشدیدترین و وحشیانه ترین نوع شکنجه‌های جسمانی و روانی فرزندان انقلابی شما در زندانها پرداخته است. این نوع شکنجه‌ها حتی در وحشیانه‌ترین رژیمهای ارتجاعی در سراسر جهان نیز پیسابقه است. شما با اقدامات پیگیرانه خود، در تظاهرات فشرده خود، با خشمی انقلابی جنایات پلیس مزدور را فاش سازید. درست است که همه ارگانهای رژیم عده واحدی را که همان مکین شریره جان مردم زحمتکش و سرکوب نیروهای مبارز است، دژبال میکنند و از این نظر هیچ فرقی بین آنها نیست، اما تجسس افشاکرانه شما در مقابل همین مؤسسات و ادارات از قبیل دارسی ارتش، شهریانی و غیره، ماهیت جنایتکارانه شاه و رژیم حاکم ایران را بیش از پیش افشا کرده و آنها را در مقابل مردم آزادخواه جهان و در مقابل توده‌های مردم خودشان رسواتر مینماید. همچنین اقدامات و تظاهرات جمعی شما در خیابانها و در مقابل سفارتخانه‌ها سهم مؤثری در آگاه نمودن مردم ما و افشای دشمن و جنایات بیشمار او دارد.

۵ - صفوف خود را مستحکمتر نموده و اختلافات جزئی را با گذشت وسعه صدر انقلابی و همچنین با احساس مسئولیت نسبت به پیشرفت و تکامل کار، حل نمایید.

بدشمن اجازه ندهید که با ایجاد اختلاف و دو دستی در صفوف خانواده‌ها، نیروی شما را ضعیف کرده مبارزه را برکود بکشاند. اگر فردی از شما اشتباهی کرد باید بدانید که در جریان مبارزه بهر حال فرد دچار اشتباه میشود. مهم اینستکه با سعی و تلاش جمعی بکوشیم که ریشه اشتباهات را روشن نمائیم و به افرادی که دچار اشتباه میشوند کمک نمائیم تا اشتباهات خود را رفع نمایند. تنها از طریق احساس مسئولیت نسبت برشد و اصلاح یکدیگر و انتقاد صادقانه بخاطر حفظ وحدت است که میتوانیم صفوف خود را در مقابل رژیم حاکم که دشمن اصلی جنبش محسوب میشود مستحکم نمائیم.

۶ - در شناسائی و کشف عناصر دشمن که ممکنست به میان شما نفوذ کرده باشند کوشا بوده آنها را فاش و رسوا سازید. بهیچوجه نباید در مقابل این قبیل عناصر کوتاه بیایید. آنها را از جمع خود اخراج کرده و داغ ننگ و خیانت را بر پیشانی آنها حاکم کنید.

مسئله هرچه صفوف خود را مستحکمتر ساخته و هرچه بیشتر با یکدیگر در تماس باشید، امکان اینکه عناصر دشمن بتوانند در میان شما نفوذ کنند، کمتر میشود. در عین حال باید توجه داشته باشید رژیم ممکنست بانحای گوناگون از جمله از طریق بدنام نمودن افراد مبارز و بی اعتماد نمودن شما یکدیگر، در بین شما شکاف انداخته و شما را از یکدیگر بترساند و از در مجلس ختم، چند نفر از اعضاء خانواده او که افسر یا کارمندان عالی‌رتبه دولت بودند شرکت داشتند ولی مادر حکمت‌جو که زنی شجاع و وطن‌پرست است در همان مجلس از آنان خواست که بعنوان همکاران رژیمی که فرزندان او را کشته است از مجلس ختم خارج شوند.

خام گفتیم که در گذشته نیز در امر توجه به خانواده زندانیان سیاسی نقش مؤثری داشته است. درود بر او و همه خانواده‌های زندانیان سیاسی.

این طریق با جلوگیری از وحدت نظر و عمل شما بهدفع شوم خود برسند. با هشیاری کامل با این حيله رژیم مقابله کنید.

۷ - پلیس سعی میکند بعنوان گوناگون شما را بازداشت کرده و حتی مدتی زندانی نماید. شما باید بدانید که بهیچ حلف مقدسی بدون تحمل مقداری سختی و مرارت نمیتوان رسید. راه مبارزه و پیروزی راه سخت و دشواریست و کسانی میتوانند در این راه گام بردارند که تحمل شدائد و سختیهای آنرا تعهد کرده باشند. بدینجهت شما بهیچوجه نباید وحشتزده شده و از تهدیدهای مکرر و قدرت نمائیهای پلیس از جا در بروید. برخی بنادرست گمان میکنند که پلیس میتواند شبانه روز اعمال آنرا را کنترل کرده و آنها را زیر نظر داشته باشد. بدین جهت دائما احساس ترس و ناتوانی کرده در انجسام کوچکترین عمل دچار دلهره و اضطراب میشوند. ما بشما صریحا اعلام میداریم که چنین گمانی کاملا نادرست است. نه در حال و نه در آینده هرگز پلیس نخواهد توانست تمام اعمال شما را در همه جا و در همه وقت کنترل نماید. البته پلیس همواره کوشش دارد که قدرت خویش را فوق العاده جلوه دهد و با شیوه‌های گوناگون وانمود سازد که از همه کس و از همه جا خبر دارد تا از این طریق کسانی را که شناخت درستی از او ندارند، بترس انداخته از ادامه فعالیت باز دارد. اما هر کدام از شما لا اقل موارد چندی که بر ضعف و ناتوانی پلیس دلالت داشته باشد سراغ دارید. البته مهمتر از ضعف و ناتوانی پلیس، هنر ما مبارزین در استفاده بوقع و هشیارانه از این نقاط ضعف است. بهمین دلیل است که ما میتوانیم با دوراندیشی و محاسبه درست با هشیاری کامل و پیدا کردن شیوه‌های نو و بکار بستن ابتکارات جدید حتی در پلیس‌ترین شرایط نیز بدون ترس بمبارزه خود ادامه دهیم.

پلیس از همه این اقدامات دو هدف مهم را دنبال میکند. اول شکستن روحیه مقاومت شما و کسب اطلاعاتتان و دوم مایوس کردن شما از ادامه مبارزه و وادار کردنتان باینکه بشکلهای گوناگون حتی در ظاهر بیطرفی یا او به سازش برسید. بدین ترتیب او فکر میکند که با این شیوه‌ها یعنی زندانی نمودن شما حمله کردن بخانه ما در شب و کشتن خانه‌ها و بازجویی از افراد آن، تهدیدهای مکرر و... میتواند شما را بترساند و از ادامه راه پر شکوه مبارزه مایوستان سازد. شما باید با کسب روحیه رزمنده و انقلابی در حالیکه رنجهای هزاران ساله مردم زحمتکش ما و در حالیکه خون شهدا و زرم‌آوردان دیر را بیاد آورده‌اید و در حالیکه خود را نسبت بخدا و خلق متعهد احساس میکنید، در مقابل این فضاها در مقابل این توطئه‌های جنایتکارانه پلیس شاه مقاومت کنید.

### مادران و خواهران رزمنه:

اگر دشمن بشما حمله میکند دلیل بر حقانیت مبارزه شماست. اگر شرایط را سخت تر میکند دلیل بر آنستکه بیشتر از اقدامات شما بوحشت افتشاده است و اگر به توهین و آزار شما میپردازد دلیل بر آنست که راه درستی را انتخاب کرده‌اید. بنابراین اگر دشمن در صدد حمله بنا بر نیاید اگر شرایط را سخت تر نکند و اگر ما را دشمن خوش بحساب نیابد باید بدانیم که راه درستی را انتخاب نکرده‌ایم و هدف صحیحی را نشانه نکرده‌ایم. و در چنین صورتیست که نتوانستیم دین خود را به پیشگاه خدا و خلق مبارز و قهرمانان ادا نمائیم. بدین جهت ما از اقدامات وحشیانه دشمن و از حملات دیوانه وار او نمیترسیم و خشیکریها و حملات دیوانه وار دشمن جزه ذات او و دلیلی بر حقانیت و درستی راه ماست و درست بهمین دلیل است که مبارز مسلحانه خاموش نمیشود و غیرم تلاشهای مذبحخانه دشمن هر روز اوج تازه‌ای بخود میگردد.

### مادران و خواهران شجاع و قهرمان:

اینک ما بشما نوید میدهیم، نهال کوچک و ضعیف انقلاب اکنون پای گرفته است. با آنکه چند سالی از عمر آن ننگذرد، اما توفانهای مخوف و دهشتناکی را از سر گذرانده است. این توفانها نه تنها او را نابود نکرده‌اند بلکه هر روز با نیروی جدیدتر بجیات خود ادامه داده است چرا که ما تاکنون آنرا با خون پاکترین فرزندان خلق آبیاری کرده‌ایم. نهال کوچک انقلاب در امروز، فردا درخت تناوری خواهد گشت که ریشه در وجود میلیونها انسان زحمتکش میهن ما دارد و شاخ و برگهایش در سراسر میهن ما سایه افکنده است. و بهمین دلیل است که ما مصمم‌تر از پیش با نثار خون خود، این نهال را آبیاری خواهیم کرد.

«سازمان مجاهدین خلق ایران»  
خرداد ۱۳۵۳